

سوی خط پایداری



یونس باقری

فناوری‌های پیشرفته را به عراق بفروشد.

دی:

مقدمات عملیات دیگری در هورالهوریزه که بزرگ‌ترین تالاب مرزی ایران و عراق است، فراهم می‌شود.

۸ بهمن:

دشمن به جزیره مجنون جنوبی حمله کرده و بخشی از آن را اشغال کرد.

۱۹ اسفند:

– آغاز عملیات بدر و رزمندگان اسلام تا شرق رودخانه دجله پیش رفتند.

۲۵ اسفند:

صدها رزمنده ایران در شرق دجله محاصره شدند که توانستند محاصره را بشکنند.

۲۹ اردیبهشت:

فرماندهان ارتش و سپاه، اجرای طرح عملیات کمیل را متوقف کردند.

۲۳ تیر:

عملیات قادر براساس طرح شهید سرلشگر صیاد شیرازی در کوهستان‌های شمال غرب اجرا شد. پیشروی اولیه خوب بود.

سال ششم، حوادث مهم شهریور ۶۴ تا شهریور ۶۵

۱۸ شهریور:

– آغاز عملیات قادر ۲ به فرماندهی شهید صیاد شیرازی که خودش در ابتدای عملیات مجروح شد.

۲۶ شهریور:

امام به سپاه پاسداران دستور می‌دهد نیروی سه‌گانه زمینی، دریایی و هوایی تشکیل دهد.

مهر:

محسن رضایی فرمانده سپاه، پیشنهاد عملیاتی برای فتح شهر فاو را می‌دهد که در آن باید از رودخانه خروشان اروند گذشت.

طبق روال امسال مجله «رشد جوان» که در هر شماره به بررسی یک دوره از رویدادهای هشت سال دفاع مقدس می‌پردازیم و شما را با قهرمانان واقعی سرزمینمان آشنا می‌کنیم، در این شماره هم اتفاقات مهم سال‌های پنجم و ششم جنگ، یعنی از شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۵ را بیان می‌کنیم. سپس شما را با ازجان‌گذشتگی‌های غواصان که در این سال‌ها نقش عمده‌ای داشتند آشنا می‌سازیم. ۲۸ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۴ پیکر مطهر ۱۷۵ شهید غواص دفاع مقدس با دستان بسته در تفحص کشف شد. این شهدا که جمعی از غواصان و خط‌شکنان شهید عملیات کربلای ۴ بودند، در دی‌ماه سال ۱۳۶۵ در جریان عملیات کربلای ۴، خط عملیاتی «اروند» را شکستند و حتی از جزیره «ام‌الرصاص» هم عبور کردند. طبق شواهد موجود، این رزمندگان در حالی که بیشترشان مجروح بودند، جلوتر از خط مقدم به اسارت دشمن درآمدند و پیکرشان با دست‌ها و بعضاً با پاهای بسته در یک گور دسته‌جمعی دفن شد. پیکر مطهر غواصان قهرمان بعد از ۳۰ سال توسط گروه تفحص پیکر مطهر شهدا کشف شد و بار دیگر مظلومیت شهدای هشت سال دفاع مقدس را به یاد مردم آورد.

برای عملیات کربلای ۴، غواصان ۹ ماه آموزش سخت و طاقت‌فرسا دیده بودند. ۹ ماه آموزش برای این بود که دسته‌ها و گروه‌ها همدیگر را بشناسند. هدف این بود که حتی با نفس همدیگر را در بدترین شرایط و شب‌ها بشناسند. حتی باید به جایی می‌رسیدند که سایه همدیگر را هم شناسایی می‌کردند. تمرینات به قدری سخت بودند که گاهی در حین آموزش در داخل آب به کمک هم می‌خوابیدند و استراحت می‌کردند.

سال پنجم، حوادث مهم شهریور ۶۳ تا شهریور ۶۴

۲۵ مهر:

آغاز عملیات عاشورا در منطقه میمک که در بلندی‌های ایلام قرار دارد. محور شمالی موفق و محور جنوبی ناموفق بود.

آذر:

– بعد از هفده سال، آمریکا روابط آشکار با عراق برقرار کرد تا انواع



آذر:

– عملیات‌های محدود در هورالهویزه که ایرانی‌ها می‌خواهند با جابه‌جایی وسیع نیروها در هور، عراقی‌ها را در تشخیص منطقه عملیاتی بعدی گمراه کنند.

دی:

– ارتش مہیای عملیات در شلمچه است و سپاه هم وانمود می‌کند قرار است در هورالهویزه عملیات کند.
– ارتش بعث حمله از شلمچه یا هورالهویزه را باور می‌کند و طرح فریب ایرانی‌ها موفق است.

۲۱ بهمن:

سحرگاه غواصان ایرانی از اروند گذشتند و به خط دفاعی ارتش بعث در شهر فاو حمله کردند. همزمان رزمندگان ارتش در شلمچه به منطقه شرق شهر بصره حمله کردند و گروهی از سپاهیان هم به جزیره ام‌الرصاص.

۲۳ بهمن:

– ارتش عراق حمله در شرق بصره و جزیره ام‌الرصاص را اصلی می‌دانست در حالی که ایرانی‌ها شهر فاو را به‌طور کامل فتح کردند.
– پس از روز سوم، ارتش بعث توانش را برای بازپس‌گیری فاو گذاشت ولی پدافند نیروی هوایی ارتش فوق‌العاده عمل کرد و جنگنده‌های عراق را مهار کرد.

فروردین:

کشورهای عربی از فتح فاو وحشت کرده‌اند.

۱۶ فروردین:

بوش، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به کشورهای حاشیه خلیج فارس سفر کرد و حرف‌های تندی علیه ایران زد و سلاح‌های بسیاری به عرب‌ها فروخت.

۲۷ اردیبهشت:

ارتش بعث، مهران را اشغال کرد و گفت ایرانی‌ها فاو را بدهند تا مهران را پس بگیرند.

۷ تیر:

عراق شهر سردشت را به‌طور وحشیانه‌ای بمباران شیمیایی کرد و صدها انسان بیگناه را کشت.

۹ تیر:

آغاز عملیات کربلای ۱ برای آزادی مهران که در روز دوم عملیات مهران آزاد شد.

۱۰ تا ۱۷ تیر:

نبرد سنگین برای فتح ارتفاعات قلاویزان در جنوب شهر مهران که موفقیت‌آمیز بود، در گرفت.

معرفی کتاب: دسته چهار گروهان یک

گردان‌های آبی‌خاکی یا به اصطلاح آن وقت‌ها، گردان‌های غواصی، بعد از عملیات خیبر در لشکرها تشکیل شدند. این گردان‌ها در عملیات‌های آبی‌خاکی که شرط اول آن‌ها گذشتن از آب تا رسیدن به خط دشمن بود، وارد عمل می‌شدند و خط دشمن را می‌شکستند. گردان ۴۱۰ اولین گردان آبی‌خاکی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود. بعد از عملیات والفجر ۸، گردان آبی‌خاکی دیگری از بچه‌های کرمان، به نام «گردان سیدالشهدا» اضافه شد. هر گردان آبی‌خاکی دو گروهان و هر گروهان سه دسته داشت. ما دسته چهار گروهان یک شدیم. این مقدمه‌ای است از کتاب «دسته چهار گروهان یک»، نوشته محمد قاسمی. در همان مقدمه، نویسنده خبر از فضای طنز داستان‌هایی می‌دهد که قرار است در این گردان غواصی رخ بدهند. محمد قاسمی، با زبانی شیرین و طنز، ما را با فضای گردان‌های غواصی آشنا می‌کند که کمتر از آن‌ها شنیده و خوانده‌ایم. این کتاب توسط «انتشارات سورۀ مهر» به چاپ رسیده است.

قسمتی از کتاب مصطفی گفت: «چند روز پیش شهردار کرمان اومده بود گردان. ظهر ناهار دعوتش کردیم به چادرمون. من و سعید تو چادر بودیم که شهردار و دو تا همراهش اومدن توی چادر نشستیم. داشتیم حرف می‌زدیم که عباس سرش رو کرد توی چادر و گفت: «شهردار بیاد غذا بگیره، ماشین غذا اومد.» شهردار و همراهانش با تعجب به هم نگاه کردند. من و سعید شیطنتمون گل کرد. از چادر بیرون زدیم و به گوشه‌ای قايم شدیم. عباس دوباره از توی محوطه داد زد: «مگه نمی‌گم شهردار بیاد غذا بگیره؟ ماشین داره می‌ره!» چند لحظه بعد شهردار قابلمه به دست از چادر بیرون اومد و به طرف ماشین غذا رفت. ما به روی خودمون نیاوردیم و اون رفت غذا رو گرفت. داشت برمی‌گشت که من و سعید به طرفش رفتیم و گفتیم: «چرا شما؟» گفت: «آخه دوستتون گفت شهردار بیاد غذا بگیره.» ما هم خندیدیم و گفتیم: «هه آقای شهردار! اینجا هر روز توی هر چادر یه نفر کارهای خدماتی بچه‌ها رو انجام می‌ده که بهش می‌گن شهردار. منظورشون اون آقا بوده.» مصطفی خیلی بازمزه همه چیز رو تعریف می‌کرد و برای همین کلی خندیدیم.